

جمعه‌ها منتشر میشود
سردبیر: ثریا شهابی

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

گفتگوی

دوستانه

اما بی تعارف

دیالوگهایی در مورد تحلیل اوضاع سیاسی در ایران، در جریان است. مجموعه این گفتگوها را می‌توانید روی سایت‌های «جوانان کمونیست» و «روزنه» بخوانید.

www.jawanan.org
www.rowzane.com

در شماره قبل بحثی از «یک دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف - یاور اصلانی»، را خواندید. «جوانان کمونیست»، در این شماره خود بحث‌هایی بین حشمت طبرزدی، علی جوادی، بهرام مدرسی و اسد کلچینی را منتشر می‌کند.

صفحه ۳، ۲

این پدیده است.

قطعا ارزیابی مثبت از اتحاد اروپا و واحد شدن پول آن، تناقضی با درک منافع کشورها

و دولت‌های سرمایه داری اروپا، رقابت اقتصادی قاره اروپا با ایالات متحده آمریکا، تمایل اروپا برای تبدیل شدن به یک قطب اقتصادی - سیاسی قدرتمند در جهان و ... ندارد. همانطور که

فشار و تمایل دولت‌های سرمایه (اگر منفعت سرمایه ایجاد کند) برای صلح در یک مقطع تاریخی، برای تضعیف مذهب، برای تضعیف سلطنت، و برای ایجاد تسهیلات ارتباطات و حمل و نقل و برای کمزنگ تر کردن مرزهای ملی... ، تناقضی با این واقعیت ندارد که ماحصل این اقدامات شرایط زندگی مردم را بهبود می‌بخشد. این اقدامات طبقه کارگر و کمونیست‌ها را هم، که طبقه بخشی از مردم اند، در موقعیت مناسب تری خود قرار می‌دهد. کنفرانس

صفحه ۴

قرون وسطایی شوند. نباید اجازه داد دست کثیف حکومت اسلامی به هیچ جوان، دانشجو و معترض و مخالفی برسد. نباید اجازه داد هیچ دستگیری، زندانی، شکنجه و اعدامی صورت بگیرد. رژیم شکنجه و اعدام در ایران رفتنی است! جنایتکاران با قتل محمد ابراهیمی تنها پرونده جنایات خود را سنگین تر می‌کنند. مردم دست از سرشان برنمی‌دارند، این را خودشان هم می‌دانند. روزی که مردم گریبان‌هایشان را قتل محمد ابراهیمی و همه قربانیان فاشیسم اسلامی را بگیرند، دیر نیست! روزی که مردم گریبان‌هایشان را در دولت فاشیستی امام و دین پایگان شکنجه‌گر زندان خرم‌آباد را بگیرند و آنها را در دادگاه‌های مردمی بخاطر همه توحش‌شان محاکمه کنند، دیر نیست!

محمد ابراهیمی تنها قربانی این نسل‌کشی نیست. اما باید و می‌تواند آخرین آن باشد. با تسلیت و ابراز همدردی با خانواده، دوستان و آشنایان محمد ابراهیمی امروز مردم و نزدیک تر کردن آنها می‌کند. ۳ - کار و زندگی رفت و آمد و در یک کلام تحرک درون قاره ای مردم را ساده تر می‌کند. ۴ - و ... این حداقل مشاهده امروز است. بی تردید عوامل سیاسی - اقتصادی و اجتماعی بسیاری نه تنها در سطح اروپا که در سطح جهان می‌تواند روند این تغییرات را بضرر مردم و طبقه کارگر به هر طرف بچرخاند. در مورد آینده این روند و نقشی که نیروهای مختلف سیاسی و طبقاتی می‌توانند بر این زمینه ایفا کنند، می‌توان پیش‌بینی‌های خوشبینانه و یا بدبینانه کرد. این پیش‌بینی، موضوع این نوشته نیست و می‌تواند جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. موضوع این نوشته ایجاد حداقل توافق در نقطه عزیمت بررسی

محمد ابراهیمی تنها قربانی این نسل‌کشی نیست. اما باید و می‌تواند آخرین آن باشد.

با تسلیت و ابراز همدردی با خانواده، دوستان و آشنایان محمد ابراهیمی

امروز مردم و نزدیک تر کردن آنها می‌کند.

۳ - کار و زندگی رفت و آمد و در یک کلام تحرک درون قاره ای مردم را ساده تر می‌کند.

۴ - و ...

این حداقل مشاهده امروز است. بی تردید عوامل سیاسی - اقتصادی و اجتماعی بسیاری نه تنها در سطح اروپا که در سطح جهان می‌تواند روند این تغییرات را بضرر مردم و طبقه کارگر به هر طرف بچرخاند. در مورد آینده این روند و نقشی که نیروهای مختلف سیاسی و طبقاتی می‌توانند بر این زمینه ایفا کنند، می‌توان پیش‌بینی‌های خوشبینانه و یا بدبینانه کرد. این پیش‌بینی، موضوع این نوشته نیست و می‌تواند جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. موضوع این نوشته ایجاد حداقل توافق در نقطه عزیمت بررسی

رژیم اسلامی یک دانشجوی زندانی را شکنجه کش کرد

جوانانی چون محمد ابراهیمی پا گرفت و توانست بیست و سه سال در قدرت بماند. رژیم اسلامی در ایران تنها با یک نسل‌کشی و وحشیانه، تنها با خفه کردن کمترین صدای معترضی، توانست بار خود را ببندد، به قدرت برسد و در قدرت بماند. امروز اما ورق برگشته است. همه، روز رفتن طاعون رژیم اسلامی را انتظار می‌کشند. حتی خود سران حکومت هم به آن اعتراف می‌کنند. امروز اما، در شرایطی که تمامیت رژیم به لبه پرتگاه سقوط رسیده است، در شرایطی که مردم از جنایت و فقر و توحش‌شان به تنگ آمده اند و برای بزیر کشیدنشان کمین کرده اند، در روز‌هایی که جانپان اسلامی شمارش معکوس مرگ خود را نظاره می‌کنند، مردم و جوانان نباید قربانی بقا این رژیم

واحد شدن پول ۱۱ کشور، همچون تشکیل اتحادیه اروپا، مستقل از هر تحلیل سیاسی - اقتصادی، و مستقل از اینکه «این طرحی از جانب سرمایه برای ایجاد تمرکز بیشتر در صفوف خود است»، از زاویه منفعت مردم اروپا مثبت است. این ارزیابی اساسا متکی به دلایل کنکرت و روشن زیر است:

۱ - تسهیل کننده است: کار و زندگی مردم را تسهیل می‌کند. مراد مالی و پولی سیصد میلیون نفر - قریب نیمی از مردمی که در ۴۵ کشور اروپایی زندگی می‌کنند - را سریع تر و ساده تر می‌کند. و اگر به همه جمعیت اروپا و همه کشور های اروپایی گسترش یابد، بهتر هم خواهد بود.

۲ - از نظر فرهنگی مثبت است. هویت‌های کاذب ملی و تاریخی را فدای ساده تر کردن زندگی

کش کردن زندانی سیاسی در ایران پدیده جدیدی نیست. این وحوش بیست و سه سال است که با هزاران معترض شریف، جوان و کودک، زن و مرد، پیر و بیمار، همین گونه رفتار کرده اند. زندانهای اوین و قزل‌حصار، گوهر دشت و خرم‌آباد، شیراز و اصفهان، سنندج و مشهد و ... دو دهه است که شکنجه گاه و قتلگاه جوانان معترض است. گوشه و کنار گورستانهای «رسمی» چون بهشت زهرا، گورستانهای «غیر رسمی» چون خاوران، و بیابانهای اطراف شهرهای بزرگ، مملو از پیکر های جوانان اعدام شده، شکنجه کش شده و «سر به نیست» شده است. این رژیم تنها با شکنجه و اعدام نسلی از جوانان انقلابی، معترض و مخالف، کمونیست و آزادیخواه و از جمله با شکنجه کش کردن

چرا انتشار یورو (EURO)

مثبت است

جریان افتاد. این قدمی مثبت در نزدیک کردن بیشتر مردم اروپا است.

این اعلام نظر مختصر، پاره ای سوال و ابهام را در میان تعدادی از خوانندگان «جوانان»، به میان آورده است. در این نوشته، یکم در مورد صحت این اعلام نظر صحبت می‌کنم، و دوم به نگرش هایی که این اتفاق را یا به کمونیست‌ها و طبقه کارگر بی ربط می‌دانند و یا آن را از زاویه منافع کمونیسم و طبقه کارگر منفی ارزیابی می‌کنند، می‌پردازم.

اما چرا و از چه زاویه ای انتشار یورو مثبت است؟ انتشار یورو،



ثریا شهابی

اوایل ژانویه امسال (دیماه)، منابع خبری در خارج کشور خبر کشته شدن دانشجوی جوان، محمد ابراهیمی زیر شکنجه رژیم در زندان خرم‌آباد را منتشر کردند.

این پاسخ یک رژیم جنایتکار به اعتراض است! این پاسخ مشتکی از گور برخاسته به مطالبات جوانان و دانشجویان است! این چکیده و فشرده «امکان اصلاحات» در یک رژیم سرتا پا ضد بشری است! شکنجه و شکنجه

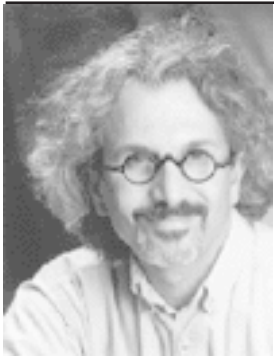
ثریا شهابی

در جوانان کمونیست شماره قبل نوشتیم که: «پول واحد اروپا (یورو) در روز اول سال جدید متولد شد و در ۱۱ کشور اروپایی، از جمله در فرانسه و آلمان و اتریش و ایتالیا و هلند و فنلاند، یونان و اسپانیا به

تصحیح یک اشتباه

در شماره قبل عکسی تحت عنوان «امید حدابخشی» چاپ شد. این عکس اشتباهی به عنوان عکس «امید حدابخشی» برای جوانان کمونیست ارسال شده بود که متأسفانه بعد از انتشار مطلع شدیم که این عکس متعلق به ایشان نیست. از این بابت پوزش می‌خواهیم.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



چه باید خواست؟ در پاسخ به مقاله "آقای علی جوادی! چه باید کرد؟"

علی جوادی

آقای یاور اصلانی (نام سیاسی - ادبی دانشجوی عزیز دانشگاه صنعتی) امیدوارم که خوب و سلامت باشید. منم امیدوارم که این مباحث گامی باشد در جهت تعمیق بحث و همچنین روشن کردن خطوط سیاسی فکری نیروهای درگیر در تحولات حاضر. اجازه دهید مستقیماً به سراغ اصل مطلب بروم.

آقای اصلانی شما نقد خود در پاسخ به مطالب من در قبال مباحث آقای طبرزدی و خود را بر محور سئوال "چه باید کرد؟" متمرکز کرده‌اید. معتقدید که نیروهای متفاوت اپوزیسیون و از جمله حزب کمونیست کارگری پاسخی به "پرسش اساسی چه باید کرد ندارند!" و در کنکاش خود در این راستا، علت را اساساً در این یافته‌اید که "فعالان اپوزیسیون اغلب در داخل کشور نیستند و وضعیت عینی ایران را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی نمی‌شناسند." و در پایان نوشته‌تان با تأکید پرسیده‌اید که "چه باید کرد! مردم ایران در انتظار پاسخ هستند." اما من برخلاف شما معتقدم قبل از آنکه دقیقاً بمنظور آنکه به سئوال "چه باید کرد؟" بپردازیم ابتدا باید به سئوال "چه می‌خواهیم؟" پرداخت. سئوال "چه باید کرد؟" زمانی موضوعیت واقعی پیدا میکند، زمانی میتوان راهگشا باشد، و ما را به وظایفمان رهنمون کند که سئوال "چه می‌خواهیم" پاسخ مشخص و مورد توافقی گرفته باشد. بدون این درک یکسان نمیتوان صحبتی واقعی و اصولی از "چه باید کرد؟" مان و دورنما و وظایفمان در میان باشد.

ادامه در شماره بعد

میخواهند. لطفاً ببینید که مردم ارتجاع فرهنگی اسلامی را نمیخواهند. لطفاً ببینید که مردم برای همین خواستها و بسیاری خواستهای دیگر به خیابان آمده‌اند و همین جمهوری اسلامی را نگران کرده است. لطفاً به سخنرانی آخر خاتمی در دانشگاه تهران توجه کنید خود او تصویر دیگری از دشمنان رژیم اسلامی به دست میدهد. شرایطی که شما تصویر میکنید علیرغم در ایران بودن شما! و در خارج بودن من! با اوضاع واقعی نمیخواند. در ادامه، همین ارزیابی نادرست است که شما در جواب سوال اینکه آیا میشود مردم را بطور وسیع سازمان داد؟ میگویند که محال است. سوال من از شما اینست که چرا؟ مگر همین مردم غیر سازماندهی شده و نامتشکل در خیابان نیامدند؟ مگر همین دانشجویان غیر متشکل و بدون سازماندهی لغو جداسازی در سرویسهای دانشگاه را از رژیم نگرفتند؟ مگر همین مردم بدون سازماندهی، دهها هزار به خیابان نیامدند و شعار «آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه» را ندادند؟ فکر میکنم در وجود این اعتراضات توده‌ای اختلافی باهم نداشته باشیم. خوب اگر این اعتراضات وجود دارند و غیر سازماندهی و نامتشکل هستند، چرا تصور سازمان دادن این اعتراضات و بقول شما "در سطحی وسیع و بطور سازماندهی شده" محال است؟ این مثل این است که بگوئیم زمین بازی فوتبال وجود دارد، بازیکنان هم آنجا هستند ولی فوتبال بازی کردن محال است! خوب چرا؟ بازیکنان چه کسانی هستند؟ رژیم اسلامی که یکطرف بازی است. طرف دیگر مردمی هستند که به خیابان آمده‌اند با خواستهای انسانی و برابری طلبانه‌شان و نیرویی که میخواهد این اعتراضات را بقول شما سازمان دهد. آیا این نیرو خارج کشوری است؟ من جریان کمونیست کارگری را میگویم. جواب من خیر است! حزب کمونیست کارگری ایران دفا ترش و رهبریش در خارج کشور است به علت اینکه در ایران خفقان است. این جریان پیش از اینکه به خارج کشور رانده شود در ایران دفا تر خود را داشت، کار میکرد و نشریاتش را داشت، سازمانش علنی بود و میشد به عضویت آن در آمد. رژیم اسلامی خفقان را به کل جامعه ایران حاکم کرد. زد و کشت و به زندان انداخت و این جریان مجبور شد که رهبریش و دفا ترش را

که چرا؟ اگر واقعا کل تصویر از جامعه امروز ایران همانی است که شما میگویند باید قاعدتا سران رژیم و دستگاه سرکوب آن مشکلی نداشته باشند. جامعه ای که فساد کل آنرا گرفته است، جامعه‌ای که کسی در آن از شدت مشکلات مالی و ... حال اعتراض کردن را ندارد، قاعدتا سرکوب کردنش نباید زیاد مشکل باشد! و اگر تصویر شما واقعی است؟ چه احتیاجی به دوم خرداد بود؟ چرا باید بخشی از خود رژیم برای کنترل این جامعه از حال رفته پرچم اصلاحات را بلند میکرد؟ و چرا این پرچم شکست خورد؟

شرایط واقعی اما متأسفانه خلاف ارزیابی شما است. دوم خرداد لازم بود، چرا که مردم و اینجا بخصوص جوانان به خیابان آمده بودند! دوم خرداد لازم شد چرا که «این جامعه از حال افتاده» خواستهای واقعی خودش را در مقابل رژیم اسلامی قرار داده بود، چرا که زنان دیگر تحمل "رعایت حجاب اسلامی" را نداشتند، چرا که تبعیض جنسی جان مردم را به لبشان رسانده بود. من با شرایط دشوار مالی که شما تصویر میکنید کوچکترین اختلافی ندارم ولی این کل تصویر نیست! به شهادت ۱۸ تیر این کل تصویر نیست! به شهادت اعتراضات جوانان در دوره مسابقات فوتبال و شعارهایشان، به شهادت اعتراضات هرروزه کارگران برای پرداخت دستمزدهایشان این کل تصویر نیست! در کنار کل فقر و فلاکتی که رژیم اسلامی به مردم تحمیل کرده است، خواستی بسیار قوی و انسانی کل جامعه ایران را فراگرفته است. خواست زندگی انسانی، خواست فقر و فقر و اسلام و دین و خفقان و فقر و اعتیاد و جمهوری اسلامی! اینرا سران رژیم دیدند و بهمین جهت دوم خرداد ضروری شد. بهمین جهت پاسداران سابق تفنگ کنار گذاشتند و قلم به دست گرفتند و دگر اندیش شدند. بخاطر همین فشار مردم بود که به روزنامه‌های خودشان اجازه انتشار دادند و بعد هم در خیلی هایشان را بستند. اگر فقر حاکم بر جامعه را میبینید، اگر اعتیاد حاکم را میبینید، اگر رشوه خواری را میبینید، لطفاً آنطرف زندگی این مردمی که بقول شما کم‌رسان زیر بار فشارهای اجتماعی خرد شده‌است را هم ببینید. لطفاً ببینید که مردم برای زن و مرد را میخواهند. لطفاً ببینید که مردم آزادی زندانیان سیاسی را



پاسخی به یاور

بهرام مدرسی

دوست عزیز آقای Yavar222 از دانشگاه صنعتی شریف، نامشما به آقای علی جوادی تحت عنوان چه باید کرد؟ و دعوت شما به شرکت در این بحث من را واداشت که نظرم را در این باره برایتان بنویسم. من البته از حزب کمونیست کارگری ایران و سازمان جوانان کمونیست هستم و طبیعی است که سعی کنم به آنجای سوال شما که به این حزب و این جریان برمیگردد بپردازم. نامه شما بر چند رکن اساسی سوار است:

اول: شما مینویسید: "همه خواسته‌های مردم در برنامه حزب کمونیست کارگری جمع است، بعد سوال میکنیم خوب برای رسیدن به این آرمانها و جمهوری سوسیالیستی چه باید کرد؟ میگویند باید به حزب کمونیست کارگری پیوست، میپرسیم خوب بعد از پیوستن باید چه کرد؟ میگویند باید آرمانها و شعارهای حزب کمونیست کارگری را قبول کرد، میپرسیم بعد...". نتیجه می‌گیرید که «این حزب جوابی ندارد».

دوم: به نظر شما سازمانهای اپوزیسیون و اینجا ما بعنوان حزب کمونیست کارگری ایران به علت خارج از کشور بودنشان از اوضاع خراب ایران اطلاعی ندارند. و شما به این سازمانها و حزب ما تصویری از اوضاع ایران میدیدید.

سوم: در جواب سوال خودتان که "چگونه ممکن است یک جمعیت مبارز در سطحی وسیع و بطور سازماندهی شده مجهز به آگاهی و شجاعت و استقامت در مبارزه بیرون آید و راه را برای استقرار آزادی و مردم سالاری فراهم کند؟" میگویند که: "محال است" چهارم: در جواب اینکه چه باید کرد میگویند که: "مردم را باید بیدار کرد" و احتیاج به نیروی پیشرو است. جمهوری اسلامی به پایان خط رسیده است و فکر میکنم که در این رابطه اختلافی با هم نداشته باشیم. سوال اینست

**به سازمان جوانان
کمونیست
پیوندید!**



در حاشیه مناظرات یک دانشجو از دانشگاه صنعتی با تبرزدی

اسد کلچینی

نامه یک دانشجوی دانشگاه صنعتی سرآغاز بحث جدی دیگری در میان کشیدن بحث و تصمیم در مورد نیروهای سیاسی، شخصیت‌های سیاسی و افق‌های آنها و همچنین تشکلهای دانشجویی است. جنبش دانشجویی و جنبش جوانان به چه مسایلی باید بپردازد و از کدام زاویه باید جوابگو باشد امروز بدست مشغله جدی محافل فعال دانشجویی است.

وضعیت کنونی

۵ سال گذشته را میتوان یک دوره نامید که در آن جنبش‌های تحت تاثیر جریان دوم خرداد در دانشگاه هم مورد محک قرار گرفتند. میتوان گفت چهارچوبی که عمده نیروی این جنبش در دانشگاه را تشکیل میداد تحت تاثیر همان صعود جریان دوم خرداد و کاراکترهایش بود. امروز با افول و شکست دوم خرداد دانشگاه هم در پی یافتن هویت‌های مختلف است. اگر در آغاز کار این جریان بسیاری به آن توهم داشتند و عملاً نیروی فعال و حمایت کننده‌اش شدند، در ادامه و در حال حاضر با کارنامه ای که این جریان از خود بجا گذاشت، دیگر هیچ جای امیدی برای جامعه و دانشگاه باقی نگذاشته است و این را دیگر همه کس میدانند، ما این را از همان روز سر کار آمدن خاتمی و وجود جریان دوم خرداد گفتیم. با این وجود هستند جریاناتی که کماکان به خاتمی و جریان شکست خورده‌اش امیدوارند و هنوز نتوانسته اند تماماً دل بکنند. آقای تبرزدی و جریانش یکی از اینها بوده است. اما بر خلاف این جنبش دانشجویی بطور اجتناب ناپذیری در مسیری باید برود که جوابهای خود را در

خارج از این حرکتها بیاید، نه در حکومت اسلامی و نه در بخشی از حاکمیت اسلامی که دوم خردادیها بوده و هستند و نه با داشتن افق و آرمانهای ملی و اسلامی میتوان به این نیازمندیها پاسخ داد. آنچه امروز در دانشگاه دیده میشود حضور وسیع اما بسیار پراکنده آراء و افکاری است که به هیچکدام امیدی ندارد. با همه مشکلاتی که برای حضور دانشجویان مبارز و چپ در سخنرانی همین دو روز پیش خاتمی در سالن دانشکده فنی ایجاد کردند بالاخره بقول خودشان "دانشجویان تند رو" و "دانشجویان اخلاکگر" آنها را آرام نگذاشت. صدای اعتراض و شکایت و انتقاد هایی که دانشجوی دانشگاه صنعتی از تبرزدی دارد در همین رابطه است و این صدایی است که امروز بیش از پیش بلند است و ناشی از همین به بن بست رسیدن جنبش دوم خرداد و یا انتقادهای ملی و اسلامی از نظام و حکومت اسلامی است. حقایق دستکم ۵ سال گذشته در جنبش دانشجویی نشان داد که انتقادهای کنونی راه گشا نبوده اند و هنوز چتری که بتواند پاسخگوی خواستها و نیازهای واقعی دانشجویان برای جامعه و جنبش دانشجویی باشد وجود ندارد. صرفاً با انتقادهای تاکتیکی از حرکات و تشکل های تاکتونی در جنبش دانشجویی، نمیتوان به اصل مطلب پی برد.

محدودیت انتقادات تاکتونی

انتقادهای امروز اگر چه بخوبی بن بست دوم خرداد و بی ربطی آن را به جامعه و خواستههای جوانان و دانشجویان نشان میدهد، اما نتوانسته است هنوز به پاسخ روشن برای معضل دانشجویی برسد و آنرا به یکی از روندهای قدرتمند در جنبش دانشجویی تبدیل کند و همین، پراکندگی و عدم انسجام در دانشگاه را موجب شده است. باید انتقادات را فرا تر برد و به سطح وجود افقهای سیاسی و اجتماعی که هر کدام از احزاب سیاسی و نیروهای سیاسی در مقابل جامعه قرار میدهند کشاند. به نظر من میدان اصلی بحث و نبرد اینجاست. در چهارچوبی عمومی باید متوجه بود که صحنه مبارزه در جامعه را جنبشهای اجتماعی با افق و آرمانهای مختلف نمایندگی میکنند، طبقات اجتماعی مهر خود را بر هر

حرکتی دارند و احزاب و گروه ها و فعالین سیاسی پیش برنده خواستگاه این طبقات هستند. احزاب و جریانات سیاسی وجود دارند و هر کدام به نقش خود میپردازند و حداکثر تحت تاثیرات اعتراضات جامعه تغییر رنگ میدهند اما عوض نمیشوند. طرح انتقادات اخیر یک دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف با وجود اینکه بدرستی مسایل زیادی را به آقای تبرزدی تذکر میدهد به این امید که ایشان از وضعیتی که در آن قرار داشته اند بیرون بیاید، اما خود کماکان از طرح افق و سیاستی روشن رنج میبرد.

چه معضل و مشکلی را ما میخواهیم حل کنیم؟ اینکه میخواهیم به چه نیاز هایی پاسخگو باشیم نقطه حرکت ما را هم معلوم میکند، شما اگر معضل جامعه امروز ایران را کماکان نبود آزادی برای تشکلی و یا نداشتن ابزار خوب مبارزاتی و نبود آموزش و ... بدانید نمیتوانید به معضل جامعه جواب بدهید، اگر بخشی از حاکمیت اسلامی را کماکان بهش امیدوار بود و قدم به قدم از خاتمی نامید شد، اگر راه حل نجات مردم از وضعیت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی کنونی را تعدیل وضع موجود دانست، اگر راه حل جامعه را بازگشت سرمایه داری سلطنت طلبان دانست و اگر راه حل جامعه را فقط رفتن طالبان دانست و ... سرنوشت جامعه در همین مدار کنونی دور میزند و بهبودی حاصل نخواهد شد. در عوض باید جامعه زیر و رو شود، حاکمیت به زیر کشیده شود، مردم آزاد و برابر اعلام گردند، تبعیض و نابرابری و استثمار و تبعیض جنسی باید ممنوع اعلام شود و... این راه حل جامعه است اگر این را قبول کرد و جنبش آن بحرکت بیفتد میتوان راه پیشبرد آنرا هم پیدا کرد. امروز جامعه ایران عمیقاً دنبال این راه حل است. جنبش دانشجویی هم به این نیاز دارد.

معضل تشکل

قبل از هر چیز باید جنبشی وجود داشته باشد و خود را تعریف کرده باشد و خود را بشناساند و دیده شود، آنگاه تشکل و ابزارهایش را هم میسازد. آنگاه نیرو میگیرد. چپ در حال حاضر نتوانسته است به جنبش خود انسجام ببخشد،

ادامه در شماره بعد



جواب تبرزدی به اسد کلچینی

حشمت طبرزدی

با سپاس فراوان

۱- نظر مشابهی از آقای علی جوادی برآیم ای میل شده است. البته نظر ایشان مفصلتر بود. از اینکه در بحث شرکت کردید سپاسگزار هستم. حسن شما کمونیست ها این است که خیلی شفاف حرف میزنید.

۲- به نظر من بیش از اندازه مسایل را ساده می کنید. شما همه چیز را به اقتصاد و طبقه اجتماعی ربط میدهید و به همین دلیل خیلی زود نتیجه میگیرید. در واقع برای همه چیز یک جواب و فرمول از قبل دارید. نظرات شما من را به یاد دیدگاه های نقادانه کارل پوپر میندازد. جوابهای از پیش برای همه کس و همه چیز!

۳- ولی من یک سؤال از شما دارم. از دیدگاه شما من محکوم هستم زیرا عضو کمونیست کارگری نیستم. حال سؤال این است آیا همین دیدگاه ایدئولوژی

به همه چیز از جمله انسان تا چه اندازه با آزادی سازگار است؟ من در مبارزه سیاسی خود به این نتیجه رسیده ام که مذهب را دخالت ندهم. اما آیا کمونیست یک مذهب سفت و سختتر برای طرفداران درست نمیکند؟ البته مذهب بشری و نه آسمانی.

۴- دوست عزیز از دیدگاه من هر انسانی دارای یک فایل و پرونده بخصوص به خود است چه رسد به جمع یا جامعه. شما باتحلیل بسیار بسته از انسان و جامعه فقط دنیای خود را کوچک می کنید. مسایل را خیلی ساده میکنید. اگر کسی کارگر بود و عضو کمونیست کارگری بود آدم مبارز و خوبی است اما اگر این نباشد نمیتواند مورد اعتماد باشد! آیا این جبر نیست؟ آیا این نوعی انسداد ذهنی و فکری ایجاد نمیکند! یا منفذی برای گفتگو میگذازد؟

۵- من انسان و انتخاب او را مقدم میدانم. البته عوامل اقتصادی و اجتماعی را نیز در انتخاب او موثر میدانم اما فقط به عنوان یک پارامتر. به همین دلیل ساده من فکر میکنم تبرزدی و سایر مبارزین غیر کمونیست نیز میتوانند انسانهای خوب و قابل اعتمادی باشند و کمونیست ها نیز خوب و بد دارند. میزان انسانیت به معنای رعایت حقوق دیگران و دوست داشت هم نوع و از این قبیل مسایل است. نظر شما چیست؟ شما اگر فرصت دارید سپاسگزار میشوم به فارسی نویسی هر دو نظر را در معرض قضاوت بگذارید. سپاس

اعلام تشکیل واحد سازمان جوانان کمونیست

در ترکیه

روز یکشنبه ۶ ژانویه ۲۰۰۲ طی جلسهای پرشور تعداد زیادی از جوانان ساکن ترکیه به عضویت سازمان جوانان کمونیست درآمدند و واحد سازمان را در آنجا تشکیل دادند پیوستن این رفا به سازمان جوانان کمونیست قدمی دیگر در تقویت صف مبارزه سوسیالیستی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری زندگی آزاد و برابر است.

جمهوری اسلامی به پایان کار خود نزدیک میشود و ضرورت تقویت صف مبارزه انسانی برای ایجاد دنیایی بدور از نفرت استثمار و بندگی، دنیایی بدور از مذهب و تبعیض جنسی، دنیایی برابر و آزاد بیش از هر زمان دیگری است. سازمان جوانان کمونیست به این صف مبارزه تعلق دارد.

ما تشکیل واحد ترکیه سازمان را به این رفا و تمام اعضا و فعالین سازمان تبریک میگوییم و همه جوانان آزادیخواه را برای پیوستن به این صف فرامیخوانیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده‌باد جمهوری سوسیالیستی!

کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست

۷ ژانویه ۲۰۰۲

تلفن تماس:

۰۰۴۹ ۱۷۲ ۲۹ ۵۷ ۶۰۳

از صفحه ۱

صلح بر سر مسئله فلسطین که اساسا طرحی از بالا است که توسط سران کشورهای غربی و آمریکا پیش برده می شود، اصلاحات ارضی و حل مسئله ارضی از بالا در زمان شاه، سرنگون کردن طالبان از بالا، همه و همه نمونه هایی از این اقدامات است.

معنا این پدیده ای غربی است! در جبهه اعتراض به واحد شدن پول اروپا و شکل گیری اروپای واحد دو تیپ معترض به ظاهر متضاد، صف کشیده اند. ناسیونالیست های دو آتشه که به رشد سرمایه کوچک تر در کشور خود، جلوگیری از حرکت ورا کشوری سرمایه، چشم امید دوخته اند. این جنبش و گرایش ارتجاعی در کمپ سرمایه است که حفظ وضع موجود، افق پیشروی هایش است. این گرایش از نظر اقتصادی موقعیت خود را با پیوستن «کشورشان» به اتحاد اروپا، ضعیف شده می بینند. پرچم آنها ناسیونالیسم، نوعی برتری طلبی ملی و تکیه بر افتخارات تاریخ گذشته، راسیسم و فاشیسم است.

اما در جبهه «نه!» به «یورو» و اتحاد اروپا، دسته دیگری هم هستند که با وجودی که به ظاهر از بیخ و بن ضد سرمایه داری اند، اما در این «جبهه» درست کنار دست مرتجعین دسته اول قرار می گیرند. همان مقاومتی را سازمان می دهند که راسیسم و فاشیسم براه می اندازد.

طبعاً قصد این نوشته نه افشا و افئاع دسته اول که پلیمیک با دسته دوم است. نجات منفعت سرمایه کوچک، سرمایه «ملی» در مقابل سرمایه بزرگ، حفظ شئون ملی و کشوری امر ما و طبقه کارگر و امر هیچ انسان شریفی نیست. مخالفت با ادغام سرمایه ها برای نجات سرمایه و «دفتر دستک دکان خودی» موضع مرتجعین محلی است و امر کمونیست های انترناسیونال نیست. روی صحبت ما با آن گرایشی در چپ غرب است که تحت عنوان کارگر و کمونیسم و مبارزه با عملکرد سرمایه، موضع مرتجعانه همان دکاندار محلی را اتخاذ می کند. انتهای همه تحلیل های به اصطلاح ضد

فرعی» است. «ضد امپریالیست» بودن همه هویت آنها است. اینها در حال دسته بندی کردن مرتجعین و انتخاب بین شمن بد و بد تر اند. خود را ناچار می بینند بین طالبان از افغانستان و بوش از آمریکا، یکی را دشمن و دیگری را «کمتر دشمن» و در واقع دوست تشخیص دهند. خمینی را به ریگان و ملاعمر و بن لادن را به بوش می بخشند. این چپ از جمله پس از ۱۱ سپتامبر در اعتراض به حمله دول غربی و آمریکا به اسلام سیاسی، در کنار اسلام سیاسی و مرتجعین اسلامی قرار گرفت و خود «اسلامی» شد. چپ بدون هویت کمونیستی - کارگری، همه اعتراض و مخالفت اش با کارکرد سرمایه را نه در منفعت مردم و طبقه کارگر که در گذاشتن چوب لای چرخ سرمایه و دولتهای سرمایه می بیند. به این خاطر حاشیه ای و به اعتراضات و مبارزات مردم و طبقه کارگر بی ربط می شود. این گرایش بیش از هر چیز به سکت شبیه است تا نیرویی مطرح در جدالهای اصلی جامعه.

صحبت کوتاه! سرمایه این ظرفیت را دارد که در راه پیشروی خود، برای ایجاد «ثبات»، یا به خاطر سود، مرز و ملیت و قومیت را هم در نوردد. برای سرمایه تنها مرزی که قابل نوردیدن نیست، چیزی که امری هویتی آن است و بدون آن میمیرد، سود، نیروی کار کالایی و مالکیت بر ابزار تولید است. این آن منفعتی است که سرمایه در آن مطلقاً حاضر به عقب نشینی نیست و برای حفظ آن حاضر نیست با منافع مردم کمترین سازشی بکند. سرمایه می تواند خواهان صلح شود، اگر لازم دید مذهب و زن ستیزی را تضعیف کند، و برعکس اگر لازم دید «جن و پری» را هم

از اعماق تاجر بشر زنده کند، همانطور که روزی در حمایت از اسلام سیاسی این کار را کرد. شیطان سازی سطحی و کودکانه از هر عملکرد سرمایه، تنها ابزار یک نوع ناراضیاتی است. این پا بر زمین سفت واقعیات ندارد. مردم تاثیر تغییرات را در زندگی روزانه شان می بینند. همانطور که مردم تاثیر رفع شر طالبان را می بینند و لمس می کنند.

آیا طبقه کارگر از ایجاد خطوط آهن، تلویزیون و اینترنت، خطوط هوایی، زمینی و آبی که سرتاسر اروپا و آمریکا و آسیا و افریقا را بهم متصل کند، متضرر می شود؟ ساختن این تسهیلات هم بیش از هر چیز بخاطر سود سرمایه و گردش سریع کالا و محصول کار کارگر است.

اتفاقاتی از این دست به کمونیست ها مربوط است. هر چیزی که بر زندگی مردم تاثیر بگذارد، موضوع کار کمونیست ها است. کمونیست های در تشخیص واقعیاتی به این روشنی نه احساس بی هویتی می کنند، نه افق خود را گم می کنیم، و نه قدرت تشخیص دوست و دشمن طبقاتی خود را از دست می دهند. برای کمونیسمی که متکی به یک برنامه اثباتی برای آینده است، کمونیسمی که افق پیشروی هایش کمتر از سوسیالیسم «همین امروز» نیست، و برای آن کار و فعالیت جدی می کند، اتفاقاتی از این قبیل همانقدر قابل درک است که در دنیای واقعی برای مردم قابل لمس و درک اند. هیچ جریان بالغ، با اعتماد بنفس و پا بر زمینی، خود را به واقعیات بی ربط نمی کند. کمونیسم نیز بطریق اولی بعنوان مترقی ترین جنبش و گرایش سیاسی - طبقاتی و بعنوان پیشرو ترین جنبش و گرایش فرهنگی - اجتماعی چشم بر واقعیات روشن نمی بندد.

اپوزیسیون «نه!» به یورو و اتحاد اروپا

سرچشمه نظری - فکری اپوزیسیون «نه!» به واحد شدن پول اروپا، «نه!» به انعقاد قرار دادهای اقتصادی جهانی برای تسریع حرکت کار و سرمایه «گلوبالیزاسیون»، و «نه!» به شکل گیری اروپای واحد، در غرب و در کشورهای اصلی سرمایه داری غرب نهفته است. به یک

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: ثریا شهابی

Tel: 001-416 434 1545

Fax : 001-781 735 8359

E-Mail : shahabi_99@yahoo.com

javanane-komunist@web.de

www.jawanang.org

Address: Jawanang

Postfach 62 05 15

10795 Berlin /

Germany

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 515 29 628

0044 776 110 66 83

0049 163 26 93 033

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

لیلا روشن ضمیر

فرشاد پویا

نهبه ز احمدزاده

مریم طاهری

بهرام مدرسی

دانمارک:

انگلستان:

آلمان:

سوئد:

دبیر کمیته مرکزی:

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.wpibriefing.com

از این سایت ها دیدن کنید:

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!